



شواهد و قرائن نشان می‌دهد که رکود اقتصادی در ایران امسال شدیدتر از سال پیش خواهد بود. معمولاً در بحرانهای دو گونه واکنش متصور است. نخستین واکنشی که به ذهن می‌آید کاهش فعالیت است. اما گاهی نیز بحرانها فرصتهایی استثنایی ایجاد می‌کند، که بر اساس «اصل نگاه کردن به تهدید به عنوان یک فرصت» می‌توان از آن بهره جست. سیاست صنعت کفش ایران کدام یک از این دو باید باشد؟

ابتدا دلایل و نمودهای تداوم رکود را بر می‌شماریم:

۱- در سال ۷۶، صادرات کالاهای غیرنفتی ایران از لحاظ ارزش ۳/۱ درصد کاهش، و از لحاظ وزن ۱۷/۵ درصد افزایش داشت. ساده‌ترین نتیجه‌ای که از این ارقام می‌توان گرفت آن است که در سال ۷۶ کالاهای ارزان‌تر بیش از کالاهای گران‌تر صادر کرده‌ایم. اما همه می‌دانیم که علت‌های مهم دیگری نیز در کار بوده است، از جمله: بی‌ثباتی، نامناسب بودن دستورالعمل‌ها و مقررات، نقصان تولید، افزایش مصرف داخلی، نزول کیفیت، از دست دادن برخی از بازارهای صادراتی، کاهش نرخ پیمان سپاری در برخی از اقلام.

۲- به گزارش صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران که در سال ۷۵، ۵/۲ درصد بود، در سال ۷۶ به ۳/۲۵ درصد کاهش یافت و پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری این رقم باز کاهش پیدا کند و به ۲/۸ درصد برسد. علت اصل این روند نزولی کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و ثابت ماندن صادرات نفت است. این وضع سبب تأخیر در اجرای برنامه‌های زیربنایی خواهد شد.

۳- در ۱۱ ماه اول سال ۷۶، بیش از ۲/۲ میلیون برگ سند به مبلغ ۱/۵ تریلیون ریال (هر تریلیون هزار میلیارد) در اتاق پایاپای اسناد بانکی تهران برگشت داده شد که نسبت به دوره مشابه سال قبل از نظر متوسط شاخص تعداد و مبلغ به ترتیب ۲۰/۶ و ۳۰/۹ درصد افزایش داشته است. به علاوه در ۱۱ ماه اول سال ۷۶، اسناد برگشت داده شده به مبادله، از نظر تعداد و مبلغ به ترتیب ۶/۷ درصد و ۵/۷ درصد افزایش داشته است. این وضع به دلیل کمبود منابع نقدی بود که افزایش مبادله‌های تأمین نشده را به دنبال داشت.

۴- پیش‌بینی می‌شود تقاضای داخلی در بیشتر زمینه‌ها به تدریج محدودتر می‌شود.

۵- نرخ تورم که در سال ۷۴، ۴۹/۴ درصد بود، به تدریج مهار شد و در سال ۷۵ به ۲۳/۴ درصد و در سال ۷۶ به ۱۷/۶ درصد رسید، که تحول مثبتی بود. اما پیش‌بینی می‌شود در سال ۷۷ ادامه پیدا نکند و دوباره به حدود ۲۳ درصد افزایش یابد.

۶- احتمال می‌رود با توجه به افزایش بهای ارز، ضمن کاهش حجم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، شاهد کاهش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی باشیم.

۷- ۹۰ درصد ارز تخصیصی سالجاری برای واردات بخش صنعت از محل واریزنامه‌های صادراتی تأمین می‌شود، یعنی قیمت تمام شده ارز برای صنعت ۶۰ درصد گران‌تر خواهد شد.

۸- میزان مازاد حساب تراز تجاری کشور، که در سال ۷۵،

«تهدید»

کاهش درآمد نفت را

چگونه به

«فرصت»

تبدیل کنیم؟

۵/۴ میلیارد دلار بود، احتمالاً کاهش خواهد یافت و در پایان سال ۷۵، به ۳/۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

۹- پیش‌بینی می‌شود علی‌رغم این که وضع اقتصاد ایران در سال ۷۶ «رکود همراه با کاهش نرخ تورم» بود، در سال ۷۷ با «رکود همراه با افزایش قیمت» روبه‌رو گردد.

۱۰- صنعت کفش علاوه بر تحولاتی منفی که در بالا ذکر شد، با مشکل دیگری نیز روبه‌رو بود، یعنی بیشتر بودن عرضه از تقاضا.

در این میان باید از چند تحول مثبت نیز نام برد:

۱- امید به بازگشت اعتبار نسبی ایران در صحنه اقتصاد جهانی بیشتر شده است.

۲- دولت در سال ۷۷ برای جلوگیری از رکود، در فعالیتهای عمرانی ۲۳/۸ درصد بیش از عملکرد سال ۷۶ اعتبار منظور کرده است.

۳- با این که کل صادرات غیرنفتی ۳/۱ درصد کاهش داشته، صادرات صنعتی بیش از ۱۱ درصد افزایش داشته است. پیش‌بینی می‌شود که این روند ادامه یابد و صادرات صنعتی با ۲۰ درصد افزایش به ۱/۵ میلیارد دلار برسد.

۴- بهره‌مندی تمام صادرکنندگان از صددرد ارز حاصل از صادراتشان برای واردات ۲۹ قلم کالای مجاز و فروش آن در بازار بورس تهران به نرخ واریزنامه‌ای، افزایش مهلت بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به کشور (به هشت ماه).

کاهش درآمد ناشی از صادرات نفتی به یک لحاظ فرصتی استثنایی برای افرادی در صنعت که توان و انرژی و خلاقیت بیشتری دارند فراهم می‌کند و از جهتی باید آن را به فال نیک گرفت. در واقع باید گفت که نقش مسلط درآمد نفت در ایران در همه موارد به سود صنعت نبوده است. سهم صادرات غیرنفتی آن قدر کم بود که قدرت نسبی صنایع را در نزد دولت به میزان ناچیزی می‌رساند. امروز این قدرت بیشتر خواهد شد. دولت با اعداد و ارقام بیش از همیشه معتقد شده است که یکی از چاره‌های عمده برای رفع رکود فعلی، فعالیت بیشتر در زمینه صادرات غیرنفتی است. و راههای لازم برای این مقصود بارها گفته شده است: تبلیغات، بسته‌بندی، شناخت فرصتها و تهدیدهای بازار جهانی، بهره‌برداری از امکانات بازار جهانی، توجه به آموزش، کاهش نسبت هزینه به فروش، توجه به استانداردهای ملی، توجه به استانداردهای جهانی، تحلیل هزینه فایده در قیمت تمام شده، تحقیقات بازاریابی.

در این شرایط صنعت کفش و هر صنعت دیگری، محکوم به ایجاد یک سیاست جمعی است و آن هم نه تنها در داخل این صنعت، بلکه همراه با همه صنایع. باید با روحیه و رویکرد جدیدی وارد میدان شد و یاد گرفت که در دوران جدید، رشد هر واحد صنعتی موکول و متکی به رشد کل آن رتبه صنعتی، و بلکه رشد کل صنایع کشور است، زیرا در این شرایط فردگرایی و توجه به سودهای موردی زیان‌بارتر از همیشه است.

سؤال مهمی که در برابر همه دست‌اندرکاران صنعت قرار گرفته این است: چگونه می‌توان این تهدید را به فرصت تاریخی برای تقویت صادرات تبدیل کرد؟

صنایع ایران در این دوران رکود دو راه در پی دارند یا تعطیل و یا افزایش صادرات. آنها که طرح نو در سر ندارند و توانی در خود نمی‌بینند، به راه اول می‌روند و عقب می‌نشینند. کارآفرینان واقعی بی‌قرار می‌شوند و رو در رو به مصاف بحران می‌روند. آنها که میدان را خالی می‌کنند فضا را برای دیگران بازتر می‌کنند و آنها که می‌مانند زمینه را فعال‌تر و شاداب‌تر، و برای رقابت فشرده‌تر آماده می‌بینند. به این ترتیب در فضای جدید زمینه یک کشمکش بر سر «انتخاب اصلح» فراهم می‌شود. آنها که در پایان این تلاش سرپا بمانند لایق‌تر، پرنرژتر، خلاق‌تر و جسورترند. آنها کسانی هستند که فراتر از مردم عادی فکر می‌کنند. سرمایه‌گذاران و متخصصان با این شاخص‌ها است که یکدیگر را می‌جویند.

از نتایج این وضع بحرانی آن است که تناسب بین دولت و صنعت نیز در هنگام تصمیم‌گیری به سود صنعت تغییر می‌کند. زمان بهره‌برداری بخش صنعت است که بیش از همیشه خواهد توانست حرف خود را به دولت بقبولاند و آمادگی دولت به هنگام سیاست‌گذاری برای شنیدن نظر صنعت بیشتر خواهد بود. دولت با توجه به تئوری اعداد بزرگ، چنان به نفت وابسته بود که طبعاً صنایع غیرنفتی را تا حدودی یک بخش تجملی و پرستیژی تلقی می‌کرد، اما در آینده به ناچار باید بیش از پیش آن را یک بخش استراتژیک در سیاست اقتصادی خود به حساب آورد.

می‌توان گفت که در مرحله جدید، در ترازوی توزان سیاسی و اقتصادی مملکت، کفه صنعت سنگین‌تر می‌شود. در بیشتر کشورهای صنعتی امروزی جهان، چون ژاپن، که هرگز نفت نداشته‌اند، دولت در هر تصمیم‌گیری اقتصادی، پیش از هر عاملی منافع صنعت را در نظر داشته و دارد.

امنیت و اطمینانی که بر اثر درآمد نفت نصیبمان می‌شد، عارضه‌هایی هم داشت. به لختی و روزمرگی خو کرده بودیم. از این پس دوران تکاپو، اضطراب، جنب و جوش، بیداری و ابتکار خواهد بود. از میان ما، به آنها که صاحب ادعایی هستند باید گفت: بفرمایید، این گوی و این میدان.

به قولی: «سال ۱۳۷۷ را باید سال دور اندیشی در برنامه‌ریزی، احتیاط در گسترش ظرفیت، محدود کردن میزان موجودی انبار، تلاش برای راه‌یابی به بازارهای خارجی دانست. در جریان مبارزه برای توسعه صادرات هرگونه فشار در جهت کاهش ارزش پول ملی باید کنار گذاشته شود، زیرا در وضعیت کنونی نیز بازار داخلی بسیار شکننده دیده می‌شود. برعکس باید تلاش‌هایی در جهت همسازی کیفیت تولید ملی با محصولات رایج در بازارهای بین‌المللی به عمل آورد».

انشاء...

علی لشکری